

تحلیل عناصر اساطیری در هفت‌خان‌های طومار نقالان و مقایسه آن با شاهنامه

چکیده

طومارهای نقالی یکی از منابع بسیار غنی فرهنگ و ادب ایرانی است که در قالب داستان‌های اساطیری و حماسی مفاهیم اساطیری، آداب و رسوم فراموش‌شده، نکات زبانی و ... را در خود جای داده‌اند. در طومارهای نقالی به علت تأکیدی که بر داستان‌های پهلوانان سیستان شده است، معمولاً از هفت‌خان اسفندیار خبری نیست، ولی در عوض در کنار هفت‌خان رستم دو هفت‌خان نیز برای اعقاب او یعنی فرامرز و جهانبخش ذکر شده که قابل توجه است. پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد هفت‌خوان فرامرز و جهانبخش براساس الگوی هفت‌خان رستم و اسفندیار ساخته شده‌اند و نکاتی اساطیری مانند وجود «عقاب» به‌عنوان جانور مشتری و وجود گرگ نشانگر مرحله سرباز در آیین مهر از پیشینه غنی اساطیری این هفت‌خان‌ها حکایت دارد. اما به‌جز مسائل اساطیری، طومارها از دیدگاه داستان‌پردازی نیز قابل بررسی می‌باشند؛ خصوصاً طومار کهن شاهنامه فردوسی (صداقت‌نژاد) به شخصیت‌پردازی و روابط علی و معلولی و جزئیات داستان و تصویر حالات روحی و جسمی بیشتر توجه دارد و از این جهت قابل توجه است.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی عناصر اساطیری در هفت‌خان‌های موجود در طومارهای نقالی.
۲. تطبیق عناصر اساطیری در هفت‌خان‌های طومار نقالان با شاهنامه.

سؤالات پژوهش:

۱. آیا هفت‌خوان فرامرز و جهانبخش براساس الگوی هفت‌خان رستم و اسفندیار ساخته شده است؟
 ۲. چه تفاوتی میان هفت‌خان‌های طومار نقالان با شاهنامه وجود دارد؟
- کلیدواژه‌ها: هفت‌خان، طومار نقالی، شاهنامه، اسطوره.

مقدمه

طومارهای نقالی یکی از منابع بسیار غنی فرهنگ و ادب و هنر ایرانی است که در قالب داستان‌های اساطیری، حماسی و... مفاهیم و نکات اساطیری، برخی آداب و رسوم فراموش‌شده، نکات زبانی و دستوری و گاه واژگان و اصطلاحات اعصار کهن را در خود جای داده‌اند. برخلاف تصور برخی از پژوهشگران که طومارها را کاملاً حاصل تخیل نقالان می‌دانند، بررسی و تحقیق و پژوهش جدی درباره طومارهای نقالی و مقایسه آن‌ها با سایر متون و روایات حماسی نشان می‌دهد که گاه برخی اندیشه‌های اساطیری و آداب و رسوم در طومارها آمده است که ریشه در ادوار باستان دارد و قدیمی‌تر از متون حماسی مکتوب است. اگر بخواهیم به پیشینه نقالی نگاه کنیم باید به سراغ خنیگران ایران باستان برویم که با عنوان گوسان در دوره اشکانیان در بین مردم می‌گشته و داستان‌های حماسی را برای آن‌ها روایت می‌کرده‌اند (بویس، فارمر، ۱۳۶۸: ۳۳). پس از اسلام نیز این سنت به شیوه‌های گوناگون در بین ایرانیان رواج داشته اما در دوره صفوی و قاجار رونق بیشتری یافته و طومارهای گوناگونی از این دوره به جای مانده است. قدیمی‌ترین آن‌ها «طومار نقالی شاهنامه» به تاریخ کتابت ۱۱۳۵ ه.ق است که توسط دکتر سجاد آیدنلو تصحیح و منتشر شده است. دو طومار برجسته دیگر که در این پژوهش از آن‌ها استفاده شد یکی «طومار کهن شاهنامه فردوسی» از جمشید صداقت‌نژاد است و دیگری «هفت لشکر» (طومار جامع نقالان) از کیومرث تا بهمن تصحیح مهران افشاری-مهدی مداینی است.

در طومارهای نقالی هیچ اشاره‌ای به هفت‌خان اسفندیار نشده است ولی در عوض در کنار هفت‌خان رستم دو هفت‌خان نیز برای اعقاب او یعنی فرامرز و جهانبخش ذکر شده که قابل توجه است. هدف این پژوهش یافتن نکات اساطیری موجود در این هفت‌خان‌ها است که در شاهنامه فردوسی یا به آن‌ها اشاره نشده و یا کم‌رنگ است. به‌عنوان مثال آیین مهر یکی از آیین‌های کهن و تأثیرگذار ایران باستان است که عناصر رازآمیز و اساطیری آن به‌صورت پیدا و پنهان در بخش‌های مختلف فرهنگ ایرانی قابل پیگیری است. این آیین به دلیل گستردگی زمانی و مکانی وسیعی که داشته است چنان تأثیری بر آیین‌های پس از خود نهاده که برخی از پژوهشگران معتقدند «بسیاری از نهادهای دینی مسیحیان و پاره‌ای از جنبه‌های ادیان دیگر قتباس از بنیادهای آیین مهری است» (دوستخواه، ۱۳۸۲؛ شمیسا، ۱۳۷۶). شاید بتوان گفت در میان متن‌های کلاسیک فارسی، شاهنامه فردوسی به سبب احتواء بر اسطوره و فرهنگ ایران پیش از اسلام، بیش از دیگر متن‌ها بازتاب‌دهنده اندیشه‌های آیین مهری است (زارع، ۱۳۹۵: ۶۷۴). نگارندگان در این مقاله برآنند تا با بررسی هفت‌خان در طومارهای نقالی و مقایسه آن‌ها با شاهنامه نکات اساطیری هفت‌خان را استخراج نمایند.

از مجموعه پژوهش‌هایی که ارتباطی با تحقیق پیش رو دارند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: مقاله «تحلیل چهارمین خان از هفت‌خان‌های حماسه ملی ایران بر بنیاد اسطوره» از قربانعلی ابراهیمی و مریم محمودی که در سال ۱۳۹۱

منتشر شده است، نویسندگان در این مقاله با تحلیل اساطیری خان چهارم نتیجه می‌گیرند که بن‌مایه این خان غلبه عنصر آتش بر آب است. اثر بعدی «مقایسه محتوایی روایات طومار نقالی با روایات شاهنامه فردوسی» است از کامران ارژنگی (۱۳۹۳)؛ نویسنده در این اثر ضمن مقایسه طومارهای نقالی و داستان‌های شاهنامه نتیجه می‌گیرد طومارهای نقالی از نظر ساختاری و موضوعی به علت داشتن ویژگی‌هایی با روایات شاهنامه تفاوت دارند. مانند تغییر در اسامی، بیان کردن مسائل جدید و نوظهور، شاخ و برگ بیشتر دادن به داستان‌ها و ... اثر از سراج (۱۳۹۴) با عنوان «بررسی داستان رستم و سهراب در شاهنامه و مقایسه آن با طومار نقالی است که نویسنده در این رساله تفاوت‌های داستان رستم و سهراب را با چهار طومار شاخص هفت‌لشکر، فردوسی‌نامه، طومار نقالی و طومار رستم و سهراب بررسی کرده است. «طومارهای نقالی و ضرورت فهرست‌بندی بن‌مایه‌های آن‌ها» اثر فرخ حاجیانی و اکبر صیادکوه (۱۳۹۴) است. نویسندگان این مقاله با استخراج بن‌مایه‌های داستان فریدون از طومار نقالی مشکین‌نامه می‌کوشند تا با تطبیق بن‌مایه‌های این داستان با فهرست تامسون غنای ادب عامیانه و روایات ایرانی در افزودن بن‌مایه‌های نو به فهرست جهانی را آشکار سازند. در مورد ارتباط هفت‌خان با آیین مهر می‌توان به آثار زیر اشاره کرد: «مقاله مهر مهر بر هفت خان رستم» اثر مریم بیدمشکی (۱۳۸۳) است. نویسنده در این مقاله ضمن بیان تقدس و اهمیت عدد هفت معتقد است ژرف ساخت هفت‌خان همانند آیین مهر از این انگارش ذهنی نشأت گرفته است که سیارات هفت‌گانه هرکدام به نوعی بر زندگی انسان و منش و کنش او تأثیرگذار بوده‌اند. مقاله بعدی هفت زینه مهری در هفت‌خان بیژن اثر قدمعلی سرامی و سیما منصوری (۱۳۹۰) است. نویسندگان معتقدند بیژن در این سفر همانند یک سالک مبتدی آیین مهر به قصد کسب درجه دینی، دشواری‌ها و ریاضت‌های هفت‌گانه سلوک را تحمل کرده است. اثر بعدی مقاله «بررسی آیین مهر و بازتاب آن در بخش شاهان پیشدادی شاهنامه» اثر مرضیه زارع است که در سال ۱۳۹۵ منتشر شده است. نویسنده معتقد است بسیاری از نمادهای دین مهری چون شراب، آتش و ... به داستان‌های اساطیری شاهنامه راه یافته و بیشترین بازتاب را در داستان جمشید و فریدون داشته است که هر دو شاهانی با تبار خورشیدی هستند.

نتیجه‌گیری

بررسی طومارهای نقالی شاهنامه نشان می‌دهد که در این آثار گاه نکاتی اساطیری از دوره‌های باستانی و آیین‌های رازآمیز و اساطیری به‌جا مانده است که یا در شاهنامه و دیگر متون ادب رسمی بدان‌ها اشاره نشده و یا کم‌رنگ است. در طومارهای نقالی سه هفت‌خان وجود دارد: هفت‌خان رستم، فرامرز و جهانبخش. پژوهش‌هایی که تاکنون پیرامون هفت‌خان انجام شده بر هفت‌خان رستم و مقایسه آن با آیین مهر متمرکز بوده است، اما پژوهش حاضر نشان می‌دهد اگرچه هفت‌خان فرامرز و جهانبخش براساس الگوی هفت‌خان رستم و اسفندیار ساخته شده‌اند ولی گاه نکاتی اساطیری در این هفت‌خان‌ها وجود دارد که پژوهشگران از آن‌ها غافل بوده‌اند و یا در تطبیق خان‌های رستم با مراحل هفت‌گانه مهری راه اشتباه رفته‌اند. به‌عنوان مثال خان چهارم جهانبخش جنگ با غول است و با اسطوره پیروزی مشتری بر غول‌ها همخوانی دارد. یا وجود «عقاب» در خان چهارم رستم در طومارهای نقالی است. و عقاب جانور سیاره مشتری

است. همچنین وجود دو جادوگر نر و ماده در قالب دو گرگ در هفت‌خان فرامرز است که جهانبخش در خان هفتم با آن‌ها روبه‌رو می‌شود. گرگ در مراحل هفت‌گانه مهری به مرحله سوم یعنی مرحله سرباز تعلق دارد. چریدن رخس در میان کشتزار و جدال رستم با دشتبانی که نگهبان کشتزار است او را با مرحله پارسی قابل مقایسه می‌کند که نشانه ممیز وی داس است و خوشه‌هایی چند با یک داس در دست دارد. ماجرای خان ششم فرامرز و اسب و گردونه‌اش همانند پیک خورشید است که سوار بر گردونه و اسب به سمت غرب و دل تاریکی می‌تازد. اما به‌جز مسائل اساطیری طومارها از دیدگاه داستان‌پردازی نیز قابل بررسی می‌باشند، خصوصاً طومار کهن شاهنامه فردوسی (صداقت‌نژاد) به شخصیت پردازی و روابط علی و معلولی و جزئیات داستان و تصویر حالات روحی و جسمی بیشتر توجه دارد. به‌عنوان مثال در خان هفتم رستم آورده است: «صدای گریه رستم بلند شد آن‌ها چون کور بودند وضع رقت‌انگیز خود را نمی‌دیدند» (صداقت‌نژاد، ۱۳۷۴: ۱۵۶) یا در ادامه می‌گوید: «تمرتاش از دیدن اوضاع رقت‌انگیز آنان به گریه درآمد و ابتدا حمام و اصلاح و سپس کسوت ملوکانه بر آن‌ها پوشانید» (همان: ۱۵۶) یا هنگام رفتن رستم به غار دیو به اولاد می‌گوید: اگر من کشته شدم «رخس را سوار شو و خود را به اردوی ما برسان و بگو رستم به قتل رسیده تدبیر کار خود کنید. اولاد گفت: جهان پهلوان بند از من بردار تا بتوانم گریخت. رستم خندید: مایوس نباش اگر من بمیرم رخس تو را باز می‌کند. رستم پس از آنکه سفارشات لازم را به رخس نمود به طرف چشمه رفت ابتدا چون تیغ مصری عریان شد و سرو تن را در چشمه شست و سپس ساروق بسته را گشود و آن لباس پوشید...» (همان: ۱۵۷). اما مقایسه کلی هفت‌خان طومارها و شاهنامه نشان می‌دهد اگر در شاهنامه بیشتر موجودات واقعی هستند و از عالم طبیعت قدم به عالم حماسه و صحنه هفت‌خان نهاده‌اند ولی در طومارها چنین نیست و نقال بیشتر از طبیعت و موجودات طبیعی فاصله گرفته است و موجودات خیالی بازیگردان صحنه‌های هفت‌خان شده‌اند و اگر گاهی آثاری نیز از موجودات طبیعی دیده می‌شود حقیقی نیستند و موجودات خیالی‌اند که در پوست و قالب آن‌ها ظاهر شده‌اند. انگار در نظر نقالان آن حدی از دلاوری و پهلوانی که قهرمان داستان در مواجهه با پدیده‌های طبیعی و موجودات آن از خود نشان می‌دهد رضایت‌بخش نیست و حس اعجاب خواننده یا شنونده را ارضاء نمی‌کند. شاید بر این اساس بتوان همچون ویلیام هانوی طومارها را ادامه سنت داستان‌پردازی و نقالی ایرانی دانست و شاهنامه را در این بین یک استثنا فرض کرد. همچنین مقایسه سه هفت‌خان طومارها نشان می‌دهد در هفت‌خان جهانبخش حوادثی خارق‌العاده و عجیب و غریب پشت سر هم آمده است تا همچون کتاب‌های عجایب‌نامه حیرت خواننده را برانگیزد و با نشان دادن قدرت جسمی و ذهنی قهرمان و یاری نیروهای ماوراءالطبیعی در پشت سر گزاردن این حوادث عظمت او را در چشم خواننده و یا شنونده بیشتر کند تا جایی که او را از قهرمانان داستان‌های پیشین برتر بدانند.

- آیدانلو، سجاد. (۱۳۹۱). طومار نقالی شاهنامه چ. ۱. تهران: به نگار.
- ابراهیمی، قربانعلی؛ محمودی، مریم. (۱۳۹۱). «تحلیل چهارمین خوان از هفت‌خوان‌های حماسه ملی ایران بر بنیاد اسطوره». متن‌شناسی ادب فارسی. ش ۲. ۷۵-۹۲.
- افشاری، مهران؛ مدایینی، مهدی. (۱۳۷۷). هفت لشکر طومار جامع نقالان چ. ۱. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- اکبری مفاخر، آرش. (۱۳۹۳). «رزم‌نامه کنیزک (حماسه‌ای به زبان گورانی و روایتی از یادگار زریران)». پژوهش‌نامه ادب حماسی. ۱۰. ش ۲۴. ۱۷۱-۱۴۵.
- امیدسالار، محمود. (۱۳۸۱). «بیان ادبی و بیان عامیانه در حماسه‌های فارسی». جستارهای شاهنامه‌شناسی و مباحث ادبی. تهران: بنیاد موقوفات افشار.
- بویس، مری؛ جورج فارمر، هنری. (۱۳۶۸). دو گفتار درباره خنیاگری و موسیقی ایران. ترجمه بهزادباشی. تهران: آگه.
- بیدمشکی، مریم. (۱۳۸۳). «مهر مهر بر هفت‌خان رستم». کتاب ماه هنر. ۱۲۱-۱۱۴.
- پناهی، نعمت‌الله. (۱۳۹۵). «روایت نقالان از داستان رستم و سهراب». کاوش‌نامه زبان و ادبیات فارسی. ۱۷، ش ۳۳. ۲۴۸-۲۲۵.
- تاریخ سیستان. (۱۳۸۱). تصحیح محمد فقی بهار. تهران: نور.
- حسینی، مریم. (۱۳۹۱). «بن‌مایه آیین‌های مهر و زرتشت در هفت پیکر نظامی». جستارهای ادبی مجله علمی پژوهشی. ش ۱۷۶. ۹۵-۱۲۰.
- دخت مشهور، پروین. (۱۳۷۸). «هفت‌خوان یا هفت‌خان رستم و برجستگی‌های این رزم‌نامه». نامه پارسی. ش ۱۳. ۱۷۲-۱۷۹.
- دوستخواه، جلیل. (۱۳۸۷). «سرچشمه‌ها و پشتوان‌های شاهنامه فردوسی و طومار نقالان». مجله فرهنگ مردم.
- رضی، هاشم. (۱۳۸۱). دانشنامه ایران باستان چ. ۱. ج ۴. تهران: بهمن.
- رضی، هاشم. (۱۳۸۱). آیین مهر چ. ۱. تهران: بهجت.
- زارع، مریم. (۱۳۹۵). «بررسی آیین مهر و بازتاب آن در بخش شاهان پیشدادی شاهنامه». مطالعات ادبیات، عرفان و فلسفه ۲. ش ۳/۶۹۰-۶۷۲.

- سرمدی، مجید. (۱۳۸۲). فرامرزنامه. چ ۱. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- سرامی، قدمعلی و منصوری، سیما. (۱۳۹۰). «هفت زینه مهری در هفت‌خوان بیژن». ش ۲۳. ۵۵-۱۰۰.
- شوالیه، ژان و گربران، آلن. (۱۳۸۵). فرهنگ نمادها، ترجمه سودا به فضایی، تهران: جیحون.
- صداقت‌نژاد، جمشید. (۱۳۷۴). طومار کهن شاهنامه فردوسی. تهران: دنیای کتاب.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۶). شاهنامه. به کوشش جلال خالقی مطلق. تهران: بنیاد دایره المعارف بزرگ اسلامی.
- فرزین، احمدعلی. (۱۳۸۵). «خنیاکران و سرودگویان دوره گرد». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی. ۱۳۱-۱۱۳.
- کریستین‌سن، آرتور. (۱۳۸۶). نمونه‌های نخستین انسان و نخستین شهریار. ترجمه ژاله آموزگار، احمد تفضلی. چ ۳. تهران: چشمه.
- محبوب، محمدجعفر. (۱۳۸۳). ادبیات عامیانه ایران. تهران: حیدری.
- مرکلباخ، رانیپهود. (۱۳۸۷). میترا آیین و تاریخ، ترجمه توفیق گلی‌زاده، تهران: اختران.
- نیکخوا، عاطفه و جلالی‌پندری، یدالله. (۱۳۹۴). «بررسی ساختاری زبان حماسی در طومار جامع نقالان معروف به هفت لشکر». دو فصلنامه فرهنگ و ادبیات عامه. ش ۵. ۱۳۲-۱۰۱.